

پرسش:

علت دروغ‌گویی کودکان چیست و شیوه‌ی حل این مشکل از سوی مادر و پدر کدام است؟

پاسخ:

دروغ گفتن کودکان، دلیل‌های بسیار متفاوتی دارد. در میان کودکان کم‌سن‌وسال‌تر، دروغ‌گویی معنایی مشابه آن‌چه بزرگترها می‌شناسند، ندارد بلکه بیشتر جنبه‌ی خیال‌بافی دارد. بنابراین، قصد آنان هرگز فریب دادن دیگران نیست.

اما عمده‌ترین دلیل دروغ گفتن از سوی کودکان در سنین بالاتر، فشار بزرگترها به آنان برای گفتن جزئیات دقیق یک ماجراست. این تحت فشار قرار دادن، کودکان را وادار به گفتن دروغ می‌کند و از این‌جا کودکان، دروغ‌گویی را یاد می‌گیرند چراکه دروغ گفتن، آنان را از تنبیه شدن بازمی‌دارد و آنان، این نکته را به تجربه و بر اثر رفتار اشتباه بزرگترها آموخته‌اند. پس کودک برای گریز از تنبیه شدن و مجازات، دروغ تحویل می‌دهد.

درحقیقت، ریشه‌ی بیشتر دروغ‌ها به دلیل احساس ناامنی و وحشت از مجازات و تنبیه است. بنابراین، چنان‌چه کودک به‌خاطر راست‌گویی دربار‌ه‌ی اتفاقی ناخوشایند یا ناشایست، از سوی مادر و پدر و یا بزرگترها تنبیه نشود، به دروغ گفتن پناه نمی‌آورد. هرچه کودک، بزرگ‌تر می‌شود، از مسؤلیت اخلاقی بیشتری برخوردار شده و چون دروغ‌گویی، وجدانش را می‌آزارد، بنابراین از دروغ گفتن، بیشتر پرهیز می‌کند.

پرسش:

آیا دروغ گفتن، یک شکل کلی است یا از نظر روان‌شناسی می‌توان انواعی برای آن در نظر گرفت؟

پاسخ:

خیر، یک شکل کلی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت بلکه باید گفت آن‌چه که ما به آن، دروغ‌گویی کودکان اطلاق می‌کنیم، بسته به

چرا کودکان دروغ می‌گویند؟



هر قدر تمدن قدیمی‌تر باشد، مهاکمه‌ها طولانی‌تر است. «ویل دورانت»

کلاچیم

سن، موقعیت و شرایطی که او در آن قرار دارد، متغیر است. بنابراین، نمی‌توان هر نوع گفته‌ی خلاف واقع از سوی کودک را به‌عنوان دروغ‌گویی به معنایی که بزرگترها از آن استنباط می‌کنند، قلمداد کرد. انواع مهم دروغ‌گویی در کودکان را به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱- دروغ برای جلب توجه

زمانی که کودک، توجه مثبت دیگر افراد مانند هم‌سن‌وسالان و به‌خصوص مادر و پدر خود را دریافت نمی‌کند، با دروغ‌گویی و بزرگ‌جلبه‌دادن خود، سعی در جلب این توجه خواهد کرد. فراموش نکنید که برای کودکان، گرفتن و جلب توجه مادر و پدر و بزرگ‌ترها حتی از نوع منفی آن، بهتر از فقدان هرگونه توجهی است.

۲- دروغ‌های خیال‌بافانه

این نوع دروغ‌گویی، مخصوص کودکان کم‌سن‌وسال‌تر و خیال‌پرداز است. این نوع خیال‌بافی‌ها و غیرواقعی بودن آن‌ها را هرگز نباید به روی آنان آورد و به‌عبارتی، به‌جای هرگونه توجه و تمرکز، باید از کنار آن‌ها گذشت.

۳- دروغ‌بازی

این نوع دروغ، شبیه نوع قبلی یعنی دروغ‌های خیال‌بافانه است که با آن، کودکان سعی دارند دیگران حوادث تخیلی یا بازی‌های آنان را باور کنند.

۴- دروغ مبهم

کودک وقتی ناتوان از ابراز احساس‌ها و فکرهای خویش است، با سرهم‌بندی و به‌هم چسباندن جمله‌هایی، سعی در بیان آن احساس‌ها دارد اما بزرگ‌ترها تصور می‌کنند که او در حال دروغ‌گویی است.

۵- دروغ انتقام‌جویانه

این نوع دروغ، از نفرت و خشم کودک ناشی می‌شود.

۶- دروغ محدود و ساختگی

این نوع دروغ، بیشتر وقت‌ها از ترس تنبیه، تهدید و توهین مادر و پدر و یا مربیان و بزرگ‌ترها صورت‌می‌گیرد.

۷- دروغ خودخواهانه

این دروغ، حساب شده است و جهت فریب دادن دیگران صورت‌می‌گیرد و به‌طور معمول برای به‌دست آوردن یک چیز یا وضعیت مطلوب از سوی کودک، ابراز می‌شود.

۸- دروغ مصلحتی

کودکان، این نوع دروغ‌گویی را به حساب خودشان برای مراقبت از دوستی که در یک وضعیت مشکل قرار دارد و تحت فشار است، بیان می‌کنند.

۹- دروغ عادت‌ی یا عادت‌شده

این نوع دروغ‌ها به دلیل نتیجه گرفتن‌های قبلی از دروغ‌هایی است که پیش از این، ابراز شده و به‌عنوان یک الگوی رفتاری در دسترس اوست و برایش کارکرد داشته است.

پرسش:

بهترین روش برای پرهیزدادن کودکان از دروغ‌گفتن، به غیر از شناسایی دلیل‌ها و ریشه‌های این رفتار و تصحیح آن‌ها، چه نوع عملکردی است؟

پاسخ:

مادر و پدر باید از همان سنین اولیه با ظرافت و هوشیاری، متوجه این رفتار از سوی کودک خود باشند. اگر از همان دوران اولیه، کودک را به‌خاطر دروغ‌گویی‌اش مورد طعن، مخالفت و یا استهزا و تنبیه قرار ندهید بلکه با آرامش، مهربانی و صبوری با او در این باره صحبت کنید، او نیز به‌تدریج از این نوع رفتار دست برمی‌دارد، ضمن آن‌که باید برخورد مادر و پدر به‌گونه‌ای باشد که به کودک، احساس شرم و یا گناه تلقین نکنند بلکه زمینه‌های بروز رفتار را از میان بردارند. مادر و پدر باهوش، باید کودک خود را نه با دعوا و مشاجره و تنبیه بلکه با بیان مثال‌های خنده‌دار و شاد، از عواقب نامطبوع دروغ‌گویی آگاه کنند. کودک با هدایت و رهبری صحیح از سوی پدر و مادر، خود را از دروغ‌گویی بی‌نیاز دیده، بنابراین، این عمل را به‌عنوان یک الگوی رفتاری، به‌کلی از دست خواهد داد چراکه راه‌های بهتری برای جلب توجه خویش و یا بیان و ابراز احساس‌ها و عواطف خود پیدا می‌کند. به بیان دیگر، او کم‌کم می‌آموزد و در خود، آن را تثبیت می‌کند که نه از ترس تنبیه و قانون و یا مجازات بلکه به‌دلیل کنترل از درون و وجدان فردی‌اش، از دروغ‌گفتن پرهیز کند.

دکتر شیرین نوری
روان‌شناس بالینی